



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تودام!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گودآورنده

سرهنک چیا

فصل یازدهم

زندگی معنوی کردها- مذهب

(د) کردهای غیر هند و اروپایی.

پرفسور مار برای تحکیم و تثبیت نظرات خود نیاز به این دارد که به تحلیل مسئله اصل و نسب کردان بپردازد و ایشان را هر چه بیشتر به آن مجموعه نژادی پیوند

بدهد که بجا است اگر آنرا آسیایی یا الارودی و یا بنا به اصطلاح خاص خودش یافتی (خالدهای قدیم، منایبها، ایلامیها، ارمنیها، گرجیها و غیره) و خلاصه جزو همه آن عناصری بنامیم که تاریخ آسیای باستان تصریح دارد بر اینکه نمی توان ایشان را **هندواروپایی (آریایی) و یا سامی** دانست. **توضیح:** ((در میان عشایر یزیدی دو نمونه متمایز تشخیص داده می شود: نمونه اول، آنگونه که خودشان می گویند، بنا به رویت آسوری - سامی هستند و موهای سر و ریششان مخصوصا خیلی انبوه است؛ و نمونه دوم که بیشتر هند و ژرمنی هستند. به هر حال، به نظر میرسد که می توان در ایشان بقایایی از ویژگیهای سا-کنان قدیمی آن سرزمین را یافت. آنان بعضی شباهتهای جسمانی با ارامنه قدیم وان دارند. غیر ممکن است بتوان وجود تار و پودی از ارمنیان را در ایشان انکار کرد (**ت، منزل،** مقاله ای در باره یزیدیان، در **دایرت المعارف اسلامی**) جمله آخر دارای اهمیت خاصی است او. ن. لیکن در عین حال، منزل می گوید: "**نهضت یزیدی** ظاهرا در دوران خلفای امویه در سوریه بوجود آمده است. بنا به رویتی که هنوز در نزد ایشان شایع است، در زمان امیر تیمور، یعنی در پایان قرن چهاردهم، از بصره و قسمت سفلی فرات آمده و کم کم تا سنجار، که تا قمرن پانزدهم هنوز به اشغال ایشان در نیامده بود، و نیز از طرف کردستان پیشروی کرده و در آنجا به صورت کرد درآمدند" این فرضیه کرد شدن اخیر یزیدیان راست به نظر نمی آید، زیرا هکاری که شیخ **عدی** در قرن دهم در آن موعظه میکرد از زمانهای بسیار قدیم سرزمین کردان بوده است ((. (**و. ن.**).

... مگر اینکه در باره ویژگیهای مشترک ایشان توافق حاصل شده و در نتیجه، باب بحث و مناقشه درباره جزئیات مسئله همیشه باز نباشد. از همان فصل اول که ما با این مسائل اختصاص داده ایم، خواننده حتما پی برده است که حتی در میان طرفداران فرضیه هند و اروپایی بودن کردان می توان به تردیدها و شرط و شروطهایی در این زمینه برخورد و روزهایی برای فرضیه آسیایی بودن ایشان باز گذاشته - اند.

پروفسور مار با استفاده از این امر به ما می گوید: در تایید نظریه هندو اروپایی بودن زبان کردی فعلی زیاد شتاب به خرج داده شده است. ما به تردیدهایی او در این باره اظهار کرده است اشاره نموده ایم. نامبرده ادامه میدهد: این نکته را نیز از نظر دور می دارند که حتی در حال حاضر دو طبقه و یا می توان گفت دو نمونه نژادی متمایز در میان کردان تشخیص داده می شود (**رجوع شود به فصل ششم**).

آیا اصل هند و اروپایی بودن کردان پذیرفته شده است؟ **مار** میگوید: این امر اهمیت چندانی ندارد. **بعضی از دانشمندان طراز اول اروپایی، از قبیل میکائلیس Michaelis شلوتزر Schlötzer، فردریش Frederich و هیره ن Heeren،** قبلا در این باره تردید کردند

تا موضوع به وسیله لاسن Lassen و کارل ریتز Karl Ritter " ثابت شد"، و آن وقت: ارنست رنان Ernest renan تایید کرد که مطلب اکنون کلا پذیرفته شده است.

لیکن قبول عامه همیشه ناقص صحت نظریه علمی نیست. مگر این اصل بطور کلی پذیرفته نشده است که تنها قشر هندواروپایی تشکیل دهنده عمده سکنه ارمنستان است؟ و یا باز، مطلب پر معنی تر اینکه: کسی نمی خواهد نسبت به وجود گروههای نژادی بسیار قدیم غیر آریایی و غیر سامی نظیر گرجیها و ملتهای خویشاوند با ایشان تماما جاهل کند، و بدینگونه در مقام انکار این دنیای جداگانه برآید، آن هم در موقعی که به حل مسایلی می پردازند که پیش از هر چیز اکیدا لازم است معلومات اساسی قابل توجهی را که آثار باقیمانده درمحلتهای مورد تحقیق در اختیار می گذارند به حساب بیاورند.

بنابراین نظریه هندواروپایی بودن کردان به هیچ وجه چنان قاطعیتی ندارد که نتوان بر آن خرده گرفت. و نیز کوشیده اند در این آیین یزیدی (پروفسور مار آن را با اصل کرد بودن در هم آمیخته است و این نقطه ضعف استدلال او است (و.ن.) چیزی از ویژگیهای نژاد سامی بجویند که بهر حال توفیقی در این باب نیافته اند.

توضیح: ((لیدزبارسکی Lidzbarski به دنبال کولسن Chwolson کوشید " در Z.D.M.G، جلد دوم صفحه 598 " تا در عبارت " ملک طاووس" بت یزیدیان تحریفی به لهجه کردی از " تموز" پیدا کند، لیکن کلرمون گانو Clermont Ganneau ضمن اینکه شباهت بین " طاووس" و "تموز" را حق به جانب توصیف کرد گفت که حتی یک جشن از جشنهای " ملک طماهووس" به ماه ژوئیه، که ماه مخصوص خدای تموز است نمیافتد (مجموعه باستانشناسی شرقی، جلد سوم صفحه 86 ... در حال حاضر، تنها یک چیز مسلم است و آن اینکه در آیین یزیدی ما سروکار با بقایای بازمانده از یک اعتقاد مذهبی بسیار قدیم مربوط به همین نواحی داریم.

هرچه بیشتر در این آیین پیوندهایی کشف بشود که آنرا با اعتقادات تعصبی قدیمی و بطور کلی با اعتقادات نهانی خالصا عامیانه نزدیک کند بیشتر دلیل به است می آید که آن را آیین خدای محلی ما قبل آریایی مغلوب شده بدانیم، آیینی که همیشه برای دفاع از خود و برای مبارزه مخفیانه با آیینهای بیگانه تازه بدوران رسیده - ای که حامی و تکیه گاه رسمی و علنی داشتند از توده های بومی نیرو می گرفت. این پیوندها راه حمله آن آیینهای بیگانه را به ما نشان می دهند: از یکطرف بین النهرین، و از طرف دیگر ارمنستان. برای تحقیقی که در اینجا دنبال می شود این

مسئله که بدانیم آیا آیین یزیدی خصوصیاتى ندارد که بازهم به وسیله "خالدها" به آرامیهای سامی نژاد منتقل کرده باشد، مسئله بی اهمیتی نیست. در این باره خوب است از قرابتهایی یاد کنیم که پروفیسور مار بین کردوخوا و کرتوه لیها برقرار میکرد و نیز فرضیه او، که بموجب آن بجای زبان نخستین کردی که آسیایی بوده یک لهجه هندواروپایی آمده، همان که امروز کردها با آن حرف میزنند. و نیز مار متذکر می شود: از طرفی برای ما فافی است در آیین یزیدی معاصر یکی از اعتقادات توده ای از نوعی خاص را در نظر بگیریم که از یک طرف با معتقدات مانده ئیسم و سابه ئیسم و گیره، و از طرفی دیگر با اعتقادات بت پرستانه ای که در خود ارمنستان و از واقعیات زندگی مذهبی فراتر از ارمنستان تا گرجستان پیدا می شدند خویشاوندی دارند.

((این خود پروفیسور کولسن است که در اثر معروفش "سابه ئیسم" (جلد اول صفحه 292 و صفحات 648 - 650) از مدتها پیش قرابت بین آیین یزیدی و مانده ئیسم را گوشزد کرده و در پیروان یزیدی بقایای از بت پرستی عهد باستان دیده است.))
پروفیسور مار میگوید که تشبیه کردن آن آیینها به شمسیه، آنگونه که کولسن کرده است، شاید قدری شتابزده و ناسنجیده باشد، لیکن آنچه در نظر اول به چشم می خورد نوعی خویشاوندی موجود در پایه و اساس همه معتقدات مذهبی محلی است، بی آنکه بتوان سابه ئیسم را از این قاعده مستثنی کرد. با این حال، مشاهده می شود که این آیین بافتی سامی، که بهتر از آیینهای دیگر توانسته در سرزمین آرامی ها زنده بماند، اکنون به وسیله ملتی نگهداری و پیروی میشود که به زبان هندو-اروپایی (کردی) و در نتیجه، ایرانی، سخن می گوید. از این مطالب طبعاً چنین نتیجه می شود که اصطلاحات خدانشناسی (مذهبی) فعلی این آیین ایرانی است و بجای اصطلاحات قدیمی سابق آمده است. حال آیا اصطلاحات مذهبی سابق سامی بوده اند یا بافتی این مطلب چندان مهم نیست.

به عقیده پرفیسور مار، در حال حاضر، از آن اصطلاحات مذهبی چیزی باقی نمانده است مگر واژه چلب (خدا) با مشتق کردی آن چلبی (خدایی) که با اضافه کردن یای نسبت درست شده است و بمعنای متعلق یا پرو خدا است. همین کلمه را همراه با نام "ماه" در نزد پیروان آیین سابه ئیسم به صورت سلم سین *Selem _ Sin* یا "بت ماه" میابیم. از آنجا که در آیین یزیدی خطوط مشخصی از آیین ماه پرستی

وجود دارد آدم وسوسه میشود که واژهء کردی **چلب** را مستقیماً مشتق از منبع آرا-
می بدانند. در این صورت تحریف کردی واژهء **tselem** تسلّم خواهد بود با اضافهء
سین **Sim** به معنی ماه.

ه (یافتنی بودن کردها ادامه دارد.

Chia.rabii@yahoo.com

2010-08-11

مالمو سوئید